

کارکردهای هویتی پیشداوری و تصورات قالبی مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران

* علی اشرف نظری

** محسن نظری مجد

E-mail: aashraf@ut.ac.ir

E-mail: nazarimohsen2012@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۹

چکیده

میزان شناخت و نحوه ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آنها با یکدیگر است. این که ما دیگران را چگونه فهم و ارزیابی می‌کنیم، نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط با دوری‌گزیدن از دیگران و یا نفی و حتی حذف آنها دارد.

تحلیل فرایندهایی که از طریق آن بتوان تصورات اجتماعی و قضاوت‌های افراد و گروه‌ها را درباره یکدیگر ارزیابی کرد، یکی از شیوه‌های مؤثر برای فهم احساسات و تصورات افراد جامعه از یکدیگر و در رابطه با گروه‌های هویتی است. در نتیجه، به واسطه گستردگی پیامدهای این تصورات، ضرورت تحلیل و ارزیابی آنها بیش از پیش احساس می‌شود.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که تصورات قالبی و پیشداوری در بین گروه‌های اجتماعی چه کارکردهای هویتی دارند؟ در این مقاله، ابتدا مفاهیم تصورات قالبی و پیشداوری و ارتباط میان آنها تبیین می‌شود و در ادامه کارکردهای هویتی آنها مورد بحث قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: تصور قالبی، پیشداوری، هویت، تمایز، ایران، انسجام ملی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

** دانش آموخته کارشناسی ارشد تربیت بدنی، گرایش رفتار حرکتی، دانشگاه ارومیه

مقدمه

تبیین مسأله تفاوت‌های انسانی و تحلیل ابعاد و پیامدهای آن، جایگاهی مهم در حوزه مباحث روان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی دارد. تنوع و تفاوت انسانی امری رایج و اصلی نسبتاً بدیهی در اکثر جوامع کنونی است که بر پایه آن گروه‌های هویتی مختلف در چارچوب‌های مختلف جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تشخیص و تمایز می‌یابند. در یکی از پژوهش‌های اخیر درباره این مسأله آمده است: «نظام روان‌شناختی ما شکل گرفته است تا تمایزات را در عرصه‌ای که در آن به طور دائم حضور داریم، ایجاد نماید. تمایزات انسانی از طریق معنایابی (نظام معنایی آگاهی‌های ما را برای ایجاد برای ایجاد برخی تمایزات شکل می‌دهد) و در پیوستگی با این وجوه ممیز (تمایز شخصی به صورت معناداری تفسیر می‌شود) شکل می‌گیرد» (جاهدا، ۲۰۰۱: ۱۸۱).

مسأله اصلی در این پژوهش، محور قرار دادن بحث تصورات قالبی و پیامدهای هویتی آن، و نوع نگرش‌ها و تصوراتی است که هر یک از ما به صورت قالبی و کلیشه‌ای در ارتباط با محیط پیرامون‌مان به دست می‌آوریم و به دیگران منتقل می‌کنیم. اما آنچه این مسأله طبیعی را پیچیده می‌کند، این است که غالب افراد جامعه تصورات و پنداشت‌های خود را نه از راه درک و تجربه مستقیم عینی و ذهنی، بلکه بر پایه باورها و نگرش‌هایی که در پیرامون آنها وجود دارد یا به اصطلاح آن چه «همه می‌گویند»، اخذ می‌کنند.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که تصورات قالبی و پیشداوری در بین گروه‌های اجتماعی چه کارکردهای هویتی دارند؟ پرسش‌های دیگر مقاله چنین هستند: احساس پایبندی به فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران چه تأثیری بر تصورات قالبی دارد؟ عضویت در گروه‌های مختلف هویتی و زمینه قومی (فارس، ترک، لر یا کرد بودن)، چه نقشی در شکل‌گیری تصورات قالبی دارد؟ توجه بیشتر به کدام یک از وجوه هویت (طایفه‌ای، قومی، شهری، ملی، جهانی) در طرح تصورات قالبی دخیل است؟ فرضیه پژوهش نیز چنین است: «به نظر می‌رسد شناخت و ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر که بخشی از آن در چارچوب تصورات قالبی و پیشداوری انعکاس می‌یابد، مبنای اصلی تعامل هویتی آنها با یکدیگر است. این که ما دیگران را چگونه می‌فهمیم و ارزیابی می‌کنیم، نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط با آنها، دوری‌گزیدن از آنها و یا نفی و حتی حذف آنها دارد». در این مقاله، ابتدا مفاهیم تصورات قالبی و پیشداوری و ارتباط میان آنها تبیین می‌شود و در ادامه کارکردهای هویتی آنها و نتایج پیمایش انجام شده مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ضرورت پژوهش

تصورات قالبی و پیشداوری به‌طور جدی در همه جوامع وجود دارد و نقش و تأثیر آن گسترده، مخاطره‌آمیز و در برخی موارد سرنوشت‌ساز است. در غالب کشورهای جهان تلاش می‌شود از طریق پیمایش‌های سالیانه نوع رویکرد اقوام و گروه‌های هویتی به یکدیگر و میزان کلیشه‌سازی، پیشداوری و تبعیض مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در بریتانیا پژوهش‌هایی سالیانه در این زمینه انجام می‌گیرد و در قالب یک اثر علمی در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد (ر.ک: آبرامز و هوستون، ۲۰۰۶). امروزه به واسطه طبقه‌بندی‌ها و شئون مختلفی که در هر جامعه وجود دارد، شاهد شکل‌گیری تقسیم‌بندی‌ها و خطوط تمایزات هویتی پیرامون مفاهیم و ساختارهایی نظیر طبقه اجتماعی، زبان، قومیت، دین، ملیت، ... هستیم. جامعه ما، جامعه‌ای پر تنوع و پیچیده و در عین حال همبسته است که درک تفاوت‌ها، احترام به حقوق و جایگاه اقوام و گروه‌های هویتی، و در چارچوبی کلی‌تر، تلاش برای حفظ وحدت و همبستگی ملی به‌عنوان هدف نهایی از ضرورت‌های انکارناپذیر آن است.

بررسی ادبیات موجود

از دهه ۱۹۵۰ علاقه گسترده‌ای برای بحث پیرامون تصورات قالبی شکل گرفت. در این دوره از مطالعات که حدود چهل سال به طول انجامید، محتوای تصورات قالبی (باورهای متمایزی که افراد برای توصیف گروه‌های اجتماعی دارند) و میزان عام بودن آنها بیشتر (میزان توافق افراد برای پذیرش صفتی خاص برای گروه‌های اجتماعی) مورد ارزیابی قرار گرفت (مادن و دیگران، ۲۰۰۱: ۹۹۶) مطالعات کلاسیک «گوردن و یلارد آلپورت» (بنگرید به: آلپورت، ۱۹۵۴) زمینه‌ساز شکل‌گیری مجموعه‌ای از پژوهش‌ها در این دوره شد. تمرکز اولیه آلپورت بر موضوع تصورات قالبی به‌عنوان چشم‌اندازی جدید متمرکز بر فهم تصوراتی بود که در میان افراد جامعه رواج یافته بود. او به واسطه اثری که در حوزه روان‌شناسی تصورات قالبی و پیشداوری، فهم ابعاد پیشینی شناختی و پیشداوری و فرمول‌بندی این بحث در چارچوب فرضیه تعامل (ارتباط) داشت، اشتهار یافت. کتابی با عنوان «پیوند تفاوت‌ها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی» به زبان فارسی ترجمه و توسط انتشارات تمدن ایرانی منتشر شده است که دربردارنده برخی مباحث درباره تفاوت‌های هویتی و فرهنگی و چگونگی فهم آنها در میان افراد جامعه است. فصل سوم این کتاب به‌صورت دقیق به بررسی ابعاد و پیامدهای اجتماعی تصورات قالبی می‌پردازد (گودیکانست، ۱۳۸۳).

بازشناسی مفهوم تصور قالبی

تا ابتدای قرن بیستم، واژه تصور قالبی هم‌چنین برای اشاره به «رفتار رسمی» و در نیمه نخست قرن بیستم، غالباً برای اشاره به الگوهای متصلب و تکراری به کار می‌رفت. اما در کاربرد رایج، این واژه بیشتر به خصیصه‌هایی اشاره داشت که بر پایه ملیت، قومیت و یا جنسیت به دیگران نسبت داده می‌شد (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۶). والتر لیپمن - روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی - نخستین فردی بود که در کتاب خود با عنوان «افکار عمومی» (۱۹۲۲)، تصورات قالبی را مورد بحث و بررسی علمی قرار داد. از نظر او، تصورات قالبی به معنای «باورها، اندیشه‌ها و قالب‌های ساخته و پرداخته ذهنی است که به ادراکات شخصی از محیط پیرامون خود، رنگ و هیئت خاصی می‌بخشد و به صورت اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود» (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۴: ۶۵). لیپمن، تصورات قالبی را به عنوان «ساختارهای عام‌شناختی» مورد ملاحظه قرار داده و از آن برای اشاره به خطاهای سیستماتیک و ادراک‌های نادرست از جهان استفاده کرد.

در نتیجه، می‌توان دیدگاه‌های موجود پیرامون تصورات قالبی را حول شش مفهوم صورت‌بندی نمود: باورهای تعمیم‌یافته، مقوله‌ها و مفاهیم، یادگیری نادرست، باورهای اغراق‌آمیز، باور تثبیت شده، پیش‌فرض‌های متصلب و مقاوم در برابر تغییر. تصورات قالبی را می‌توان مجموعه‌ای از احساسات غالباً منفی، باورهای کلی و کنش‌ها درباره برخی گروه‌های اجتماعی دانست که دارای فرهنگ، زبان و نژاد متفاوتی هستند. این تصورات، خصیصه‌ها، ویژگی‌های فیزیکی، علائم، نقش‌ها، الگوهای رفتاری و نظایر آن را در ارتباط با گروهی خاص منعکس می‌کنند و برای همه اعضای یک گروه، به‌رغم تمایزات و تفاوت‌های قابل ملاحظه، به‌کار می‌رود. تصور قالبی، ایده‌ای کلی درباره گروهی مشخص، و یا دسته‌ای از افراد بر پایه برخی مفروضات پیشینی است که به واسطه آن باورهایی ساده‌سازی شده و یکسانی (به دو صورت مثبت و یا منفی) نسبت به آنها پیدا می‌کنیم. از این‌رو، فرایند تعمیم‌دهی به عنوان امری ذاتی در تصورات قالبی، دربردارنده تعمیم مبالغه‌آمیز خصیصه‌هایی برای اعضای یک گروه و احساس همگنی میان آنها است (همیلتون و دیگران، ۲۰۰۹: ۱۷۹؛ استفان، ۱۹۸۵؛ اشنایدر، ۲۰۰۴؛ کاترن، در منابع اینترنتی).

تبیین مفهوم پیشداوری

پیشداوری نگرش غیرمنصفانه و ناموجهی است که مبنای آن عضویت فرد در گروهی خاص است. گروه می‌تواند از آدم‌هایی با نژاد، جنسیت، دین یا ملیت خاص تشکیل

شده باشد یا با کسی که نسبت به او پیشداوری دارد، تفاوت ملموس دیگری داشته باشد (سانتراک، ۱۳۸۳: ۳۷۱). پیشداوری بر اطلاعات نادرست و گمراه کننده‌ای مبتنی است که در فرایند اجتماعی شدن به دست می‌آید. آنچه موجب پیشداوری نسبت به دیگران می‌شود، مؤلفه‌هایی نظیر تفاوت در زبان، نژاد، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، زادگاه، جایگاه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. یافته‌های جدید حاکی از آن است که پذیرش تصورات قالبی مرتبط با تفکر مبتنی بر پیشداوری و پذیرش بی‌قید و شرط و جزم‌گرایانه است (کارتز، ۲۰۰۶: ۱۱۱). معمولاً پیشداوری در شخص از بین نمی‌رود و از جنبه منفی به جنبه مثبت تبدیل نمی‌شود و همین واقعیت است که آن را از سوءتفاهم متمایز می‌سازد (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

ارتباط تصورات قالبی و پیشداوری

تصورات قالبی و پیشداوری دو پدیده هم‌زیست قلمداد می‌شوند که رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند. استروب و اینسکو در مقاله‌ای تحت عنوان «تصورات قالبی، پیشداوری و تبعیض»، به تبیین ارتباط این مفاهیم با یکدیگر پرداخته و یادآور می‌شوند که «پیشداوری، به معنای داشتن نگرش منفی درباره گروه‌های دیگر و یا اعضای آنها است که معمولاً بر پایه تصورات قالبی منفی ارزیابی می‌شوند. بر پایه باورهایی که آن گروه‌ها را با خصیصه‌های منفی هم‌پیوند می‌داند» (استروئیب و اینسکو، ۱۹۸۹: ۴). تصورات قالبی دربرگیرنده باورهایی درباره رفتار دیگران است که می‌تواند بر ذهنیت و رفتار ما اثر بگذارد و در این چارچوب پیشداوری را تسهیل می‌کند. پر واضح است افرادی که اهل پیشداوری هستند، تصورات قالبی تأییدکننده این وضعیت را گسترش می‌دهند. بدون شک، پیشداوری و تصورات قالبی به‌عنوان دو امر مؤید یکدیگر عمل می‌کنند (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۳۶۵).

البته به‌رغم تجانس مفاهیم تصورات قالبی و پیشداوری، نباید تفاوت‌های محتوایی میان این دو مفهوم را نادیده گرفت. در یک سطح، پیشداوری با بیشترین قرابت با تصورات قالبی، به قضاوت درباره فرد یا چیزی پیش از فعلیت یافتن واقعیت‌های آن (از پیش قضاوت کردن) اشاره دارد و تصویری از قبل شکل گرفته را نسبت به برخی چیزها، اغلب پدیده‌های اجتماعی هستند، بازنمایی می‌کند. اما در سطح دیگر، اولاً، پیشداوری برخلاف تصورات قالبی، بیشتر ماهیتی منفی دارد؛ ثانیاً، پیشداوری بیشتر در ارتباط با گروه‌های غیر خودی است و در رابطه با گروه‌های خودی، بیشتر مفهوم «جانبداری درون گروهی» مطرح است (بنگرید به: زانا و السن، ۱۹۹۴).

تبیین مفهوم هویت

«هویت در بردارنده و معرف «کیستی» هر فرد در بستر زمانی - مکانی، یعنی تاریخ، فرهنگ و جامعه است که جایگاه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اعضای یک جامعه را تعیین می‌نماید و فرد از طریق فرایند «هویت‌یابی» به یک تاریخ، فرهنگ و اجتماع خاص تعلق پیدا می‌کند» (نجاتی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). احساس تعلق، تجربیات و میراث مشترک، احساس تعهد افراد به اجتماع، برخورداری از آرمان‌ها و باورهای مشترک و مهم‌تر از همه هویت‌یابی و شناسایی به افراد هویت جمعی می‌بخشد (ویدن، ۲۰۰۵: vii). فرایندهای هویت‌یابی میان افراد نقاط و گره‌های تعاملی ایجاد می‌کند که برخی از آنها به‌عنوان خصایص عمومی جامعه یا آنچه که «خلق و خوی ملی» نامیده می‌شود، پذیرفته شده‌اند. اعتقادات و سنت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، سلايق زیبایی‌شناختی، موضع‌گیری‌های ارزشی، پیوندهای جغرافیایی، خویشاوندی، احساس تعلق، تجربیات و میراث مشترک، احساس تعهد افراد به اجتماع، برخورداری از آرمان‌ها و باورهای مشترک به افراد جامعه هویت می‌بخشد (نظری، ۱۳۹۰: ۸۱).

هویت امری صرفاً شخصی یا روان‌شناختی نیست، بلکه هم‌چنین اجتماعی است و به‌طور جدی از طریق تعامل با دیگر کنش‌گران صورت می‌بندد. از طریق تعامل و مشارکت در چارچوب نهادینه است که کنش‌گران هویت خود را بیان می‌کنند. سیاست‌های هویتی و هویت‌یابی میان افراد نقاط و گره‌های تعاملی ایجاد می‌کند و برخی از آنها به‌عنوان خصایص شخصیت عمومی پذیرفته شده‌اند، نظیر اعتقادات و سنت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، سلايق زیبایی‌شناختی، موضع‌گیری‌های جنسیتی، ریشه‌های جغرافیایی، خویشاوندی. این نقاط تعامل برساخته‌هایی اجتماعی هستند که به واسطه تجارب گوناگون شکل گرفته‌اند، اما تبعیت و پایبندی سیاسی و فرهنگی اغلب آنها را ابزار هویتی کارآمدی می‌سازد. از این‌رو، افرادی که خود را اعضای یک جامعه می‌شناسند، وارد یک نوع تعامل بر مبنای عقلانیت‌های معتبر و استوار اجتماعی می‌شوند و هویت‌های آنها بازتابی از واکنش مستقیم به شرایط مشخص و اغلب قبل پذیرش جامعه - در دو وجه مثبت و منفی - آن است (سایبرز و تبین، ۲۰۰۵: ۱۰).

کارکردهای هویتی تصورات قالبی

به‌رغم اثرپذیری رفتار انسان‌ها از عوامل و زمینه‌های عینی، شناخت و ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی هویت‌یابی آنها در کنار یکدیگر است. این‌که ما دیگران

را چگونه فهم و ارزیابی می‌کنیم، نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط، دوری‌گزیدن دارد. به‌عنوان مثال، گروهی را که زیاد پول خرج نمی‌کنند می‌توان دوستانه، صرفه‌جو یا بی‌طرفانه، مقتصد و یا با رویکردی منفی، خسیس تلقی کرد. این امر بیانگر اهمیت نگرش‌ها و ذهنیت‌های افراد در رویارویی با پدیده‌های یکسان و تشخیص بخشیدن به دیگران است. ترکیب شناخت‌ها (اعتقادات و باورها)، احساسات (هیجان‌ها و عواطف) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیده‌های معین و دیگران در چگونگی کنش و واکنش ما با دیگران تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. روان‌شناسانی که به مطالعه و بررسی شناخت اجتماعی می‌پردازند، علاقمند به بررسی این مسأله‌اند که ما چگونه رفتارهای اجتماعی را ادراک، تفسیر و پیش‌بینی می‌کنیم (ر.ک: ستوده، ۱۳۸۷؛ اسدورو، ۱۳۸۴: ۴۹۹).

کارکردهای تصورات قالبی را می‌توان چنین برشمرد: ترسیم نوعی هویت جمعی و ایجاد احساس تجانس درون‌گروهی و تمایز برون‌گروهی (ما / آنها)، بازنمایی سلسله مراتب اجتماعی، ساده‌سازی فرایندهای شناختی، پذیرش ناآگاهانه و تسهیل ارزیابی اجتماعی، سوگیری به نفع گروه خودی و ایجاد مخاطرات هویتی. در ادامه، به ترتیب هر یک از این کارکردها را مورد بحث قرار می‌دهیم:

۱. ترسیم هویت جمعی و احساس تجانس درون‌گروهی و تمایز برون‌گروهی

(ما/ آنها): تصورات قالبی نقش مؤثری در ترسیم ابعاد و زوایای هویت جمعی دارد. در سنت فکری‌ای که هنری تاجفل مطرح و جان ترنر و اخیراً الکساندر و هرمان بسط دادند، استدلال می‌شود که تصورات قالبی یکی از روش‌های جدا کردن گروه خود از گروه‌های دیگر است. بسیاری از افرادی عزت‌نفس و هویت خود را از احساس تعلق به گروه خود می‌گیرند و در این چارچوب درصدد برمی‌آیند خصیصه‌های مثبت را به درون‌گروه، و خصیصه‌های منفی را به گروه‌های بیرونی نسبت دهند. از این منظر، طبیعی است که ما افراد را طبقه‌بندی می‌کنیم و بر پایه آن خصیصه‌ها یا تصورات قالبی را به آنها نسبت می‌دهیم. چنین فرایندی، عام و اغلب ناآگاهانه است (تاجفل، ۱۹۸۱؛ ترنر، ۱۹۸۷؛ بریور و هرمان، ۱۹۹۹).

در تحلیل چرایی این رخداد می‌توان گفت که اعضای گروه‌های دیگر بیش از اعضای گروه خودی با هم شبیه دانسته می‌شوند. گرایش به مشابه دانستن اعضای گروه‌های دیگر، یا آنچه که «توهم تجانس برون‌گروهی» خوانده می‌شود، به دلیل متفاوت دانستن اعضای گروه خود (تمایز درون‌گروهی) از دیگر گروه‌ها پدیدار می‌شود. از دلایل این امر آن است که ما با اعضای گروه خودی بیشتر مأنوسیم و در

نتیجه با گستره وسیعی از احساس تفاوت میان ما و آنان (اعضای برون‌گروه) روبه‌رو هستیم. دلیل دیگر آن است که شاید برخی گروه‌ها، واقعاً متجانس‌تر از گروه خودی باشند. مثلاً چینی‌ها در برخی ویژگی‌های بدنی مانند مو، چشم شباهت بیشتر به همدیگر دارند تا آمریکایی‌ها. دلیل سوم به گرایش افراد به ارزیابی هماهنگ اعضای سایر گروه‌ها در قالب یک کلیت مربوط است. به هر میزان که یک گروه را نامطلوب‌تر بدانیم، مایلیم اعضای آن را متجانس‌تر تصور کنیم؛ زیرا این امر با ارزیابی منفی کلی از آن گروه سازگارتر است (آذربایجانی و دیگران: ۱۳۸۲: ۲۰۷).

۲. بازنمایی سلسله مراتب اجتماعی: ما در هر لحظه با چنان جمعی از اطلاعات روبه‌رو هستیم که ذهن انسان برای این‌که بتواند این اطلاعات را بدون اشکال و بدون احساس سنگینی آنها پردازش کند، نیاز به سازماندهی آنها دارد. برای کاهش این پیچیدگی‌ها، ذهن انسان به طبقه‌بندی می‌پردازد و امور مختلف را در طبقات و دسته‌های جداگانه مقوله‌بندی می‌کند. افرادی که بیشتر مستعد پذیرش تصورات قالبی هستند، بر این باورند که نوعی سلسله مراتب میان گروه‌های اجتماعی و افراد وجود دارد. چنین باورهایی می‌تواند موجب تقویت ارزش‌های قدرت‌طلبانه این افراد شود، زیرا این اعتقاد را در آنها تقویت می‌کند که تفاوت‌های گروهی مهم و واقعی هستند و تصورات قالبی می‌تواند در خدمت تقویت این سلسله مراتب اجتماعی به کار گرفته شود (کارتر و دیگران، ۲۰۰۶: ۱۱۰۸؛ اشمور و دل بکا، ۱۹۸۱: ۲۹). طبقه‌بندی ساده‌ی افراد به گروه‌های مختلف سرآغاز اولویت‌دادن خودکار اعضای گروه خودی است. افراد طبقه‌بندی‌های اجتماعی را به نحوی بسیار منعطف به کار می‌گیرند. ممکن است برخی افراد در رویارویی با مهاجرین، از قومیت آنها سخن بگویند، برخی دیگر عمدتاً بر سن آنها تأکید کنند و یا جنسیت آنها را با اهمیت بدانند. هنگامی که ما افراد و گروه‌های دیگر را به‌عنوان کسانی که با ما دارای هویت مشترک هستند، ارزیابی می‌کنیم، احتمالاً کمتر نسبت به آنها قالبی‌سازی و پیشداوری می‌کنیم (آبرامز و هوستون، ۲۰۰۶: ۸).

برخی از نظریه‌پردازان نظیر آگوستینس و واک (۱۹۹۸)، گلیک و فیسک (۱۹۹۹: ۳۴۸)، هافمن و هرست (۱۹۹۰: ۱۴۷) معتقدند که در عرصه اجتماعی که افراد براساس شئون، وضعیت اقتصادی، جایگاه، منزلت اجتماعی تقسیم شده‌اند. ما به تبیین، توجیه و بیان چرایی این سلسله مراتب نیاز داریم. در واقع، طبقه‌بندی ناشی از تمایل به ساده‌سازی است. ما تمایل داریم تا جایی که ممکن است افراد را در چارچوب طبقه‌بندی‌های مختلف از یکدیگر متمایز کنیم و هر کدام از آنها در طبقه‌بندی‌هایی

براساس شباهت آنها به یکدیگر، قرار دهیم. این تمایل می‌تواند تصورات ما را مخدوش کند و سوگیری‌هایی را با هدف ایجاد تمایز میان اعضای گروه خود و دیگری ایجاد نماید (استانگر، ۲۰۰۹: ۳).

۳- ساده‌سازی فرایندهای شناختی: ساده‌سازی و تقلیل ویژگی‌های افراد و گروه‌ها به چند خصیصه ساده است. فرایند قالبی‌سازی «تعداد اندکی از ویژگی‌های ساده، به یادماندنی، به سادگی قابل فهم و به رسمیت شناخته شده در یک شخص را در نظر می‌گیرد و همه چیز درباره آن فرد را به آن ویژگی فرو می‌کاهد و آن صفات را به نحوی اغراق‌آمیز ساده می‌کند» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۷). تنزل انسان‌ها به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی مبالغه‌آمیز و معمولاً منفی، ارائه ذهنیتی یکنواخت و قالب‌بندی شده از رفتارهای خاص برای ایجاد احساس تمایز و تفاوت از پیامدهای ساده‌سازی شناختی ناشی از تصورات قالبی اتفاق می‌افتد. قالبی‌سازی مردم را طبق هنجارهای خاص طبقه‌بندی و افراد طرد شده را «دیگری» یا «غیرخودی» فرض می‌کند. تصورات قالبی برای افراد مهم هستند، زیرا فرصت را برای ارزیابی ساده و سراسر و تصمیم‌گیری فراهم می‌کنند. اگر تصورات قالبی سودمندی خود را به‌عنوان ساختارهای ساده‌ساز ذهنی از دست بدهند، هدایت و شکل‌دهی به فرایندهای تجزیه و تحلیل اطلاعات در نهایت محو خواهد شد (لاک و جان استن، ۲۰۰۱: ۱۲۳). تصورات قالبی کمک می‌کند که جهان پیرامون ما را ساده‌سازی کنیم که برای تفکر مولد ضروری است. از آن جایی که امکان شناخت دقیق افراد و گروه‌هایی که با آنها در ارتباط هستیم وجود ندارد، از طریق ساده‌سازی‌های تصورات قالبی می‌توانیم هر فرد با گروه را در جایگاه مربوط به آن قرار دهیم. ما جهان اجتماعی را به مقوله‌هایی دسته‌بندی می‌کنیم، نه برای آن‌که در ظرفیت شناختی ناتوانی داریم، بلکه به خاطر آن‌که می‌خواهیم تمایزهای معناداری ایجاد کنیم که تفکر و رفتار ما را تسهیل نماید (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۷۶؛ هرشفلد، ۲۰۰۱: ۱۰۷).

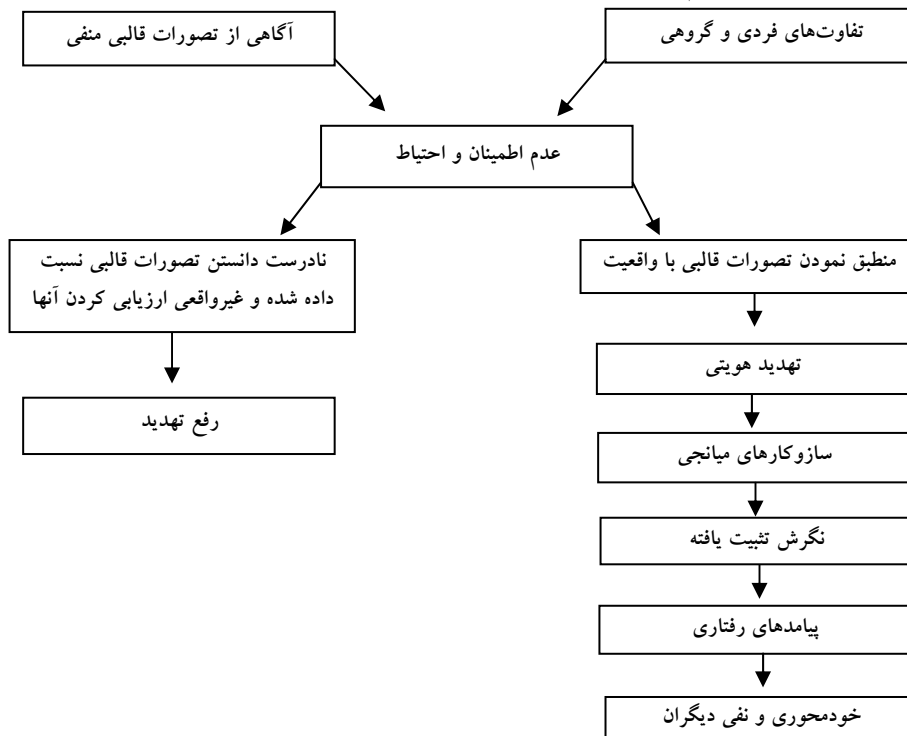
۴- پذیرش ناآگاهانه و تسهیل ارزیابی اجتماعی: پذیرش باورهای قالبی بدون قید و شرط: لوی و لنگر اظهار می‌دارند آثار تصورات قالبی بر سلامت جسمانی و روانی افراد با باورهایی که بدون قید و شرط می‌پذیرند، آشکار می‌شود. وقتی این باورها شکل گرفت، کمتر بررسی می‌شوند و به‌طور ناخودآگاه پذیرفته می‌شوند. تصورات قالبی هر چند به خطاهایی می‌انجامند، ولی به این دلیل که باعث صرفه‌جویی در فعالیت‌های شناختی می‌شوند و امکان ارزیابی را تسهیل می‌نمایند، استمرار می‌یابند.

افرادی که پیشداوری شدیدی نسبت به برخی گروه‌های اجتماعی دارند، اغلب چنین می‌گویند: همه آنان مثل هم هستند، مشت نمونه خروار است. مدلول این جملات آن است که اعضای گروه‌های دیگر بیش از اعضای گروه خودی با هم شباهت دارند. گرایش به مشابه دانستن اعضای گروه‌های دیگر را «توهم تجانس برون‌گروهی» و میل به متفاوت دانستن اعضای گروه خودی را «تمایز درون‌گروهی» می‌نامند. از دلایل این امر آن است که ما با اعضای گروه خودی بیشتر مأنوسیم و در نتیجه با گستره وسیعی از تفاوت میان آنان آگاه هستیم. در مقابل، عموماً شناخت کمتری از افراد سایر گروه‌ها داریم و کمتر با تفاوت‌های فردی آنان مواجه شده‌ایم. دلیل دیگر آن است که شاید برخی گروه‌ها واقعاً متجانس‌تر از گروه خودی باشند؛ مثلاً چینی‌ها در برخی ویژگی‌های بدنی مانند رنگ مو، چشم شباهت بیشتری به همدیگر دارند تا آمریکایی‌ها. دلیل سوم با گرایش افراد به ارزیابی هماهنگ سایر گروه‌های مرتبط است. به همین جهت هر چه یک گروه را نامطلوب‌تر بدانیم، بیشتر مایلیم اعضای آن را متجانس‌تر تصور کنیم، زیرا این امر با ارزیابی کلی از آن گروه سازگارتر است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۰۷).

۵. سوگیری به نفع گروه خودی: از چشم‌انداز نظری، صورت‌بندی و شکل‌گیری مفهوم «دیگری» به دورانی برمی‌گردد که نظریه‌پردازان تعامل نمادین نظیر هربرت بلومر و جرج هربرت مید مطرح شدند. مید، مفهوم دیگری تعمیم‌یافته را مطرح کرد و آن را بقای گروه، صرف نظر از افراد تعریف کرد (مید، ۱۹۶۷). روان‌شناسان تحول‌گرا معتقدند که افراد به این دلیل تمایل دارند از تصورات قالبی بهره‌گیرند که به آنها مزیت انطباق‌پذیری و همراهی با سنت‌های فکری را می‌دهد؛ آنها را قادر می‌سازد تا سریع‌تر تصمیم‌گیری کنند؛ و میان دوستان و دشمنان خود تمایز قائل شوند. ما در بین اعضای گروه‌های دیگر تنوع و تفاوت کمتری [یکسان‌سازی] می‌بینیم تا در بین اعضای گروه خودمان. اتفاقی که در این جا می‌افتد این است که ما اعضای گروه خود را متنوع و دارای خصوصیات مطلوب می‌بینیم و اعضای گروه‌های دیگر را یکسان و دارای خصوصیات نامطلوب ارزیابی می‌کنیم (سانتراک، ۱۳۸۳: ۳۷۲).

۶. ایجاد مخاطرات هویتی: تهدید تصورات قالبی تهدیدی موقعیتی شناخته می‌شود، به این معنا که به‌طور بالقوه امکان ظهور آن در هر موقعیتی که تصورات قالبی منفی در رابطه با اعضای یک گروه پذیرفته و به کار گرفته شود، متصور است (شاپیرو و ریبرگ، ۲۰۰۷: ۱۰۸). مخاطرات هویتی ناشی از تصورات قالبی زمانی مطرح می‌شود که

گروهی که هدف تصورات قالبی است، به ویژگی‌های منفی اشتها یابد. این وضعیت موجب «تهدید هویت اجتماعی» می‌شود. مخاطرات و پیامدهای منفی و اغلب بی‌اعتبار اطلاعاتی که از طریق تجارب دست دوم (مشاهده منفعلانه، درونی کردن القانات و سوگیری‌های انتشار یافته، فقدان تجربه مستقیم...) انتشار می‌یابد، از چند جهت قابل تأمل است. نخست آن‌که برخی از این گونه تصورات در صدد متهم یا محکوم کردن گروه‌های خاص است. دوم آن‌که تصورات قالبی که به این صورت منتشر می‌شود، اگر نگوئیم غالباً مبتنی بر منفی‌نگری هستند، نگرش‌هایی را القا می‌کنند که بیشتر مبتنی پیشداوری است. سوم، بسیاری از این تصورات قالبی، مبتنی بر تجربه مستقیم نیستند و نتایج تعمیم‌های ناشی از آنها چندان معتبر نیست. چهارم، از آن جایی که تصورات قالبی به مثابه ابزاری در جهت ایجاد پیشداوری عمل می‌کند، هر لحظه ممکن است ما هم به یکی از قربانیان این گونه نگرش‌ها تبدیل شویم (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۳۳۰؛ آمبادی، برنی و ریچسون، ۲۰۰: ۲۰۱؛ ارونسون و مک گلان، ۲۰۰۹: ۱۵۷) فرایند تهدید هویت اجتماعی را می‌توان چنین ترسیم نمود:



حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران (در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱) می‌باشد که تعداد آن بالغ بر ۳۶۰۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه مورد نظر با استفاده از فرمول کوکران و ۹۵٪ اطمینان در دانشگاه تهران برابر با ۳۸۰ نفر برآورد شد، اما برای جلوگیری از بروز خطای بیشتر و هم‌چنین بالا بردن ضریب اطمینان یا معنی‌دار بودن آماری و کم کردن تأثیر پرسش‌نامه‌هایی که ممکن بود به‌صورت ناقص تکمیل شوند، تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه به آن اضافه شد. در نهایت، بعد از بازبینی پرسش‌نامه‌ها و حذف موارد مخدوش، تعداد ۴۱۰ پرسش‌نامه وارد تحلیل نهایی گردید. بعد از تعیین حجم نمونه و با توجه به تعداد کل دانشجویان، ناگزیر از انتخاب شیوه نمونه‌گیری شدیم، که بعد از بررسی لازم در باب انواع شیوه نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (انتخاب تصادفی از بین شاخه‌های تحصیلی) استفاده شد.

الف) تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها

۱. یافته‌های تحقیق

این بخش از مقاله به ارائه یافته‌های پژوهش در دو محور توصیف متغیرها و تحلیل روابط بین آنها به منظور پاسخگویی به سؤالات تحقیق به‌صورت تجربی و از طریق تحلیل آماری می‌پردازد. از این‌رو از دو دسته آمار توصیفی و استنباطی در تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد. ابتدای این بخش به توصیف متغیرها در قالب آماره‌های تک متغیره اختصاص یافته و در ادامه روابط بین متغیرها به‌صورت روابط دو متغیره (آزمون فرضیات تحقیق) و روابط چندمتغیره (تحلیل عمقی فرضیات تحقیق)، تحلیل و بررسی خواهد شد.

۱-۱. توصیف متغیرها

۱-۱-۱. متغیرهای جمعیت‌شناختی

جنسیت، سن، سطح تحصیلات و شاخه تحصیلی پاسخگو از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی تحقیق هستند که در ادامه به بررسی توصیفی آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۱. جنسیت پاسخگویان

بررسی نمونه آماری انتخاب شده از جامعه آماری دانشجویان از لحاظ جنسیت؛ همان‌طور که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که تقریباً نصف پاسخگویان، مرد و نصف دیگر، زن بوده‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان

جنسیت	تعداد	درصد	درصد معتبر
زن	۲۰۲	۴۹/۳	۴۹/۳
مرد	۲۰۸	۵۰/۷	۵۰/۷
کل	۴۱۰	۱۰۰	۱۰۰

۲-۱-۱-۱. سن پاسخگویان

میانگین سن پاسخگویان، تقریباً ۲۲ سال (انحراف استاندارد، ۳/۷) بوده که حداقل سن افراد پاسخگو، ۱۷ سال و حداکثر سن آنان، ۴۷ سال است. سن ۲۱ ساله از بیشترین فراوانی برخوردار است. در جدول شماره دو، توزیع فراوانی گروه‌های سنی دانشجویان نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی سن پاسخگویان

گروه سنی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
۱۷-۲۰	۱۶۹	۴۱/۲	۴۱/۶	۴۱/۶
۲۱-۲۳	۱۴۵	۳۵/۴	۳۵/۷	۷۷/۳
۲۴-۲۶	۵۶	۱۳/۷	۱۳/۸	۹۱/۱
۲۷ و بیشتر	۳۶	۸/۸	۸/۹	۱۰۰
کل	۴۰۶	۹۹	۱۰۰	
داده مفقوده	۴	۱		
کل	۴۱۰			

همان‌طور که آمار ارائه شده در جدول شماره دو نشان می‌دهد، اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان (۷۷/۳ درصد)، در گروه سنی ۱۷ تا ۲۳ ساله قرار دارند.

۳-۱-۱-۱. وضعیت تحصیلی پاسخگویان

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانشجویان و جدول شماره هشت، توزیع فراوانی شاخه تحصیلی آنها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی مقطع تحصیلی پاسخگویان

مقطع تحصیلی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
کاردانی	۷	۱/۷	۱/۷
کارشناسی	۳۱۱	۷۵/۹	۷۷/۶

کارشناسی ارشد	۷۴	۱۸	۹۵/۶
دکتری	۱۸	۴/۴	۱۰۰
کل	۴۱۰	۱۰۰	

براساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۳، دانشجویان مقطع کارشناسی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. کمترین فراوانی مربوط به دانشجویان کاردانی است. آمار ارائه شده در جدول شماره ۸، حاکی از آن است که پاسخگویان از نظر شاخه تحصیلی، از درصد نزدیک به هم برخوردار بوده و هر کدام به جز شاخه کشاورزی، بیش از ۲۵ درصد جمعیت نمونه آماری را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی شاخه تحصیلی پاسخگویان

شاخه تحصیلی	تعداد	درصد	درصد معتبر
علوم پایه	۱۰۷	۲۶/۱	۲۶/۳
علوم انسانی و هنر	۱۰۵	۲۵/۶	۲۵/۸
کشاورزی	۹۱	۲۲/۲	۲۲/۴
فنی و مهندسی	۱۰۴	۲۵/۴	۲۵/۶
کل	۴۰۷	۹۹/۳	۱۰۰
داده مفقوده	۳	۰/۷	
کل	۴۱۰	۱۰۰	

۱-۱-۲. متغیرهای مستقل

هویت ملی و میزان شناخت اقوام ایرانی به‌عنوان متغیر مستقل این تحقیق است که نقش آنها در تصورات قالبی در رابطه با دیگر گروه‌های هویتی ایرانی بررسی خواهد شد. در این بخش از گزارش، به بررسی توصیفی هر یک از متغیر مذکور پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۲-۱. هویت ملی

میانگین هویت ملی ملی پاسخگویان در دامنه (۰-۱۰)، ۷/۰۳ (انحراف استاندارد ۱/۹) است که حاکی از متوسط به بالا بودن میزان آن است. جدول شماره ۵، توزیع فراوانی نمرات این متغیر را در سه رده میزان هویت ملی پائین، متوسط و بالا^۱ نشان داده است.

۱. از نمره ۰ تا ۴/۳۳ رتبه پائین، ۴/۳۳ تا ۷/۳۳ رتبه متوسط و ۷/۳۴ تا ۱۰ رتبه بالا تعیین شده است. ذکر این نکته ضروری است که تمامی میانگین‌هایی که در دامنه (۰-۱۰) قرار دارند به همین طریق رتبه‌بندی شده‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی نمرات متغیر هویت ملی

هویت ملی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پائین	۳۳	۸	۸/۴	۸/۴
متوسط	۱۷۷	۴۳/۲	۴۴/۹	۵۳/۳
بالا	۱۸۴	۴۴/۹	۴۶/۷	۱۰۰
کل	۳۹۴	۹۶/۱	۱۰۰	
داده مفقوده	۱۶	۳/۹		
کل	۴۱۰	۱۰۰		

نتایج ارائه شده در جدول بیانگر آن است که اکثر پاسخگویان از میزان پایبندی به هویت ملی در حد متوسط و بالا برخوردار بوده و کسانی که دارای هویت ملی سطح پائینی هستند از درصد اندکی در مقایسه با دیگر سطوح هویت ملی برخوردار هستند.

۲-۱. بررسی روابط متغیرها

این بخش از گزارش به بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته می‌پردازد. از این‌رو در بخش اول به بررسی آزمون فرضیات تحقیق در قالب روابط دو متغیره و در بخش بعدی به بررسی تشریحی فرضیات تحقیق در قالب روابط چند متغیره پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱. روابط دو متغیره

۲-۱-۱-۱. رابطه بین هویت ملی و تصورات قالبی

فرضیه: احساس پایبندی به هویت ملی (فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران) موجب کاهش تصورات قالبی می‌شود.

در آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج اجرای آزمون فرضیه در جدول شماره ۶، رابطه‌ای معکوس و معنی‌دار بین این دو متغیر برقرار است به عبارتی دیگر با افزایش میزان احساس پایبندی دانشجویان به فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران یا برخورداری از هویت ملی، از میزان تصورات قالبی آنان نسبت به گروه‌های قومی و شهرها کاسته می‌شود.

جدول شماره ۶: نتایج بررسی رابطه هویت ملی و تصورات قالبی با استفاده از

ضریب همبستگی r پیرسون

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	تعداد
-۰/۰۹۶	۰/۰۳۳	۳۶۶

۲-۱-۲-۱. رابطه بین هویت قومی و تصورات قالبی

فرضیه: زمینه‌های قومی، در شکل‌گیری تصورات قالبی نقشی مثبت دارد. یعنی هر قدر افراد بیشتر بر زمینه‌های قومی خود تأکید کنند، بیشتر مستعد قالبی‌سازی می‌شوند. در آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول شماره ۷: نتایج بررسی رابطه هویت قومی و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی r پیرسون

تعداد	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	ضریب همبستگی
۳۷۸	۰/۰۲۱	۰/۱۰۵

نتایج ارائه شده در جدول بیانگر آن است که بین دو متغیر رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به این معنا که با افزایش تأکید افراد بر زمینه‌های قومی، آنان بیشتر مستعد قالبی‌سازی درباره گروه‌های هویتی قومی و شهرها می‌شوند.

۳-۱-۲-۱. رابطه بین شناخت و آشنائی با اقوام ایرانی و تصورات قالبی

فرضیه: هرچه شناخت از اقوام ایرانی بیشتر باشد، از میزان تصورات قالبی کاسته خواهد شد.

به منظور آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۸ ارائه شده است. با توجه به سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵، این فرضیه رد می‌شود. بر این اساس شناخت اقوام و آشنائی با آنها تأثیری در کاهش تصورات قالبی نسبت به آنها در میان دانشجویان ندارد.

جدول شماره ۸: نتایج بررسی رابطه شناخت و آشنائی با اقوام و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی r پیرسون

تعداد	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	ضریب همبستگی
۳۶۰	۰/۲۰۷	۰/۰۴۳

۴-۱-۲-۱. رابطه بین روابط نزدیک و صمیمی با اقوام و سایر مذاهب و تصورات قالبی

فرضیه: با افزایش روابط نزدیک و صمیمی با اقوام و سایر مذاهب، از میزان تصورات قالبی کاسته خواهد شد.

به منظور آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده شده که نتایج آن

در جدول شماره ۹ ارائه شده است. نتایج جدول حاکی از وجود رابطه‌ای معنی‌دار و معکوس بین این دو متغیر است. به عبارتی دیگر هر چه بر روابط نزدیک و صمیمی با اقوام افزوده می‌شود، از میزان تصورات قالبی نسبت به آنان کاسته خواهد شد.

جدول شماره ۹: نتایج بررسی رابطه روابط نزدیک و صمیمی با اقوام و سایر مذاهب و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی ۲ پیرسون

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	تعداد
-۰/۱۱۴	۰/۰۱۴	۳۷۶

۴-۲-۱-۵. رابطه بین گرایش به تعمیق روابط با اقوام ایرانی و تصورات قالبی فرضیه: با افزایش میزان گرایش به تعمیق روابط با اقوام ایرانی از میزان تصورات قالبی نسبت به آنان کاسته خواهد شد.

در آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی ۲ پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۱۰ ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰: نتایج بررسی رابطه گرایش به تعمیق روابط با اقوام ایرانی و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی ۲ پیرسون

ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (یک دامنه)	تعداد
-۰/۱۹۷	۰	۳۱۴

نتایج ارائه شده در جدول نشان می‌دهد که با افزایش گرایش به تعمیق روابط از میزان تصورات قالبی آنان کاسته می‌شود. رابطه معکوس بین دو متغیر رابطه‌ای معنی‌دار است.

۱-۲-۲-۱. رگرسیون چند متغیره

نتایج اجرای رگرسیون با شیوه گام به گام نشان داد که چند مدل را می‌توان استخراج کرد لیکن مدلی که دارای بیشترین متغیر بود، در اینجا انتخاب شد. این مدل شامل متغیرهای میزان گرایش به هویت ملی، میزان گرایش به هویت قومی و میزان گرایش به تعمیق روابط با گروه‌های قومی است. براساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۱، این سه متغیر با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده، حدود ۰/۰۸ واریانس تصورات قالبی را تبیین می‌کنند. هم‌چنین میزان همبستگی (مقدار ۲) ترکیبی از این سه متغیر با تصورات قالبی نزدیک به ۰/۲۹ است.



جدول شماره ۱۱: خلاصه مدل رگرسیونی

مقدار r	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد پیش بینی
۰/۲۸۹	۰/۰۸۴	۰/۰۷۴	۸/۴۹۹۰۳

جدول شماره ۱۱ نتایج معنی داری مدل رگرسیونی را با این چند تا متغیر نشان می دهد. با توجه به سطح معنی داری آزمون F ، این مدل رگرسیونی معنی دار است. از این رو می توان گفت که این سه متغیر را می توان در معادله رگرسیونی قرار داد.

جدول شماره ۱۲: ارزیابی مدل برای انجام تحلیل رگرسیونی

مدل	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	مقدار F	سطح معنی داری
رگرسیون	۱۸۵۶/۸۹۳	۳	۶۱۸/۹۶۴	۸/۵۶۹	۰
باقیمانده	۲۰۳۶۹/۸۳۸	۲۸۲	۷۲/۲۳۳		
جمع	۲۲۲۲۶/۷۳۱	۲۸۵			

جدول شماره ۱۲، ضرایب استاندارد رگرسیونی متغیرها و سطح معنی داری آنها را نشان می دهد.

نتیجه گیری

مردم ایران در تجربه طولانی زندگی جمعی دارای حافظه تاریخی مشترکی هستند که در آن افتخارات و رنج های مشترک، شکست ها و موفقیت های بزرگ و میراث غنی ایرانی - اسلامی قابل مشاهده است. به رغم این، باید پذیرفت که حفظ وحدت و یکپارچگی هویتی مستلزم اتخاذ راهکارهایی خلاقانه و مدبرانه است تا با کاهش حذف تصورات منفی و نادرست اقوام و گروه های هویتی، فرصت های ساختاری لازم برای بقای همبستگی ملی تضمین شود.

جلوگیری از توهین به گروه های قومی - مذهبی، تلاش برای رفع پیشداوری ها و سوء تفاهات، ارتباط یابی مؤثر گروه های هویتی و آشنایی با ظرفیت های یکدیگر، ممانعت از ترویج خاص گرایی هویتی به نفع یک گروه خاص، فرصت سازی مناسب از طریق تبادلات فرهنگی، پخش برنامه های مناسب، جلوگیری از بروز تعارض در پیام های وسایل ارتباط جمعی و... می تواند در این زمینه مؤثر باشد. به هر حال بسیاری از

اعضای گروه‌های قومی تلاش دارند تا خصیصه‌های مثبت مؤثر خود را به‌عنوان صفاتی متمایز برجسته نمایند. این موارد مورد افتخار می‌تواند تاریخی، معماری و میراث فرهنگی، توانمندی خاص، ... باشد و در چارچوبی همبسته با هویت ملی گره بخورد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲): *روان‌شناسان اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: سمت.
- اسدورو، سترام (۱۳۸۴): *روان‌شناسی*، ترجمه جهانبخش صادقی، تهران: سمت.
- خمه، اکرم (۱۳۸۶): بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرح‌واره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران، *مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- سانتراک، جان دلبیو (۱۳۸۳): *زمینه روان‌شناسی سانتراک*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷): *روان‌شناسی اجتماعی*، ج ۱۱، تهران: آوای نور.
- صادقی فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۳): «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی»، *فصلنامه پژوهش زنان*، سال اول، ش ۳، صص ۵۳-۹۰.
- کاتم، مارتا و دیگران (۱۳۸۶): *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی*، ترجمه سیدکمال خرازی و جواد علاقبندراد، تهران: جهاد دانشگاهی.
- گودیکانست، ویلیام بی (۱۳۸۳): *پیوند تفاوت‌ها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی*، ترجمه علی کریمی و مسعود هاشمی، تهران: تمدن ایرانی.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷): *رسانه و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و مؤسسه رسانه‌ها.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰): «احزاب سیاسی و هویت ملی: تأملی در کارکردها و چشم‌اندازها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۱۲، ش ۱، صص ۷۳-۹۸.
- Abrams, Dominic & Diane M. Houston (2006); Equality, Diversity and Prejudice in Britain, *Report for the Cabinet Office Equalities Review*, October: University of Kent Center for the Study of Group Processes.
- Allport, G.w, (1954); *The Nature of Prejudice*, MA: Adisson-Wesley Reading.
- Ambady, N. Bernieri, F.J.& Richeson, J. A. (2000); Toward a Histology of Social Behavior, In: P. Zanna (Ed); *Advances in experimental social psychology san Diego*, CA: Academic press.
- Aronson, Eliot (2006); Adventures in Experimental Social Psychology: Roots, Branches, and Sticky New Leaves. in *Reflection on 100 years of Experimental Social Psychology*, Eds by A. Rodrigues and R. Levine. Los Angeles, Westview; Abrams: 58.

- Aronson, Joshua and Mcglone, Matthew S. (2009); Stereotyping and social Identity threat. In *Handbook of prejudice, stereotyping, and discrimination*, Edited by Todd D. Nelson. New York: Psychology press.
- Ashmore R.D & Del Boca F.K (1981); Conceptual Stereotypes and Stereotyping. In D.L Hamilton (Ed). *Cognitive Processes in Stereotyping and Intergroup Behavior*, Hillsdale.
- Augoustinos, Martha and Katherine J. Reynolds, (2001); *Understanding Prejudice, Racism and Social Conflict*, London: Sage Publications.
- Connolly, William (2002); *Identity / Difference*, Minnesota: University of Minnesota Press.
- Dovidio, John F. (2001); On the Nature of Contemporary Prejudice: The Third wave. *Journal of Social Issues*, Vol. 57, No. 4: 629-849.
- Glick , P & Fiske, S. T. (1999); Gender, power dynamics and Social interaction. In M.feree, J. Lovicer, & B. B. Hess (Eds) *Revisiuning gender*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hamilton David L. et al (2009); The Role of Ethnicity in Stereotyping processes and parameters. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.
- Hirschfeld, L. A (2001); On a Folk Theory of Society: Children , Evolution, and Wental Representation of Social Groups, *Personality and Social Psychology Review*, s, 107-117.
- Jahoda (2001); Beyond Stereotypes, *Culture & Psychology*, 7: 181-197.
- Jussim, Lee, et.al (2009); The unbearable Accuracy of Stereotypes. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.
- Locke, Vance and Lucy Johnston (2001); Stereotyping and Prejudice: A Social Cognitive Approach. In *Understanding Prejudice, Racism and Social Conflict*, Edited By Martha Augoustinos and Katherine J. Reynolds. London: Sage.
- Madon, Stephanie et.al (2001); Ethnic and National Stereotypes: The Princeton Trilogy Revisited and Revised, *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol, 27. NO. 8, August: 996-1110.
- Mead, G. H. (1967); *Mind, Self, and Society from the Standpoint of a Social Behaviorist Chicago*, Chicago: The University Of Chicago Press.
- Norval, Aletra J (2003); The Politics of Ethnicity and Identity. In: *Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge. Cambridge University Press.
- Schneider, David J. (2004); *The Psychology of Stereotyping*, New York: The Guilford press.
- Siebers, Tobin (2005); Disability Studies and the Future of Identity Politics. In: *Identity Politics Reconsidered. Edited by Linda Martin Alcoff and Others*, Macmillan: Palgrave.
- Stangor, Charles (2009); The Study of Stereotyping, Prejudice and Discrimination with in Social Psychology: A Quick History of Theory and Research, in: Nelson, Todd (2009). *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, NewYork: Psychology press.
- Stroebe, W. and Insko, C.A. (1989); Stereotype, Prejudice and Discrimination, in; Bar-Tal, D. et.al (Eds.), *Stereotyping and Prejudice: Changing Conceptions*, NewYork: Springer-Verlag: 3-34.
- Tajfel, H. (1981); *Human Groups and Social Categories*, New York: Cambridge University Press.
- Turner, John (1987); *Rediscovering the social group A: self-Categorization Theory*, Oxford, UK: Blackwell.